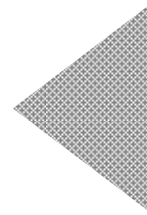


مفهوم و ماهیت عدالت و پیشرفت با رویکرد اسلامی - ایرانی



محمد حسین مردانی نوکنده^۱

(تاریخ دریافت ۸۹/۷/۲۱ - تاریخ تصویب ۹۰/۲/۴)

چکیده

از جمله مهمترین مطالبات تاریخی ملت ایران؛ دولت اسلامی، عدالت خواهی و پیشرفت بوده است. عدالت و پیشرفت دو مقوله به هم پیوسته و جداناپذیر از یکدیگرند. تا در جامعه‌ای عدالت برقرار نگردد، پیشرفت تحقق نخواهد یافت. عدالت خواهی، نیاز فطری و آرمان مشترک انسان‌ها در طول تاریخ بوده است. نهضت و انقلابی به پا نخواسته است که شعار عدالت در آن طنین نیفکنده باشد. پیشرفت نیز به معنای جلو رفتن و در مقابل در جازدن و عقب گرد است و منظور آن است که فرد یا گروه یا جامعه یا دولت، در راهی که برگزیده است به سوی هدف پیش برود. میزان پیشرفت نیز بستگی به هدف دارد. بدیهی است که حرکت به سوی آینده، بدون توجه به گذشته و حال، بی‌معناست. اگر از پیشرفت در این مقاله سخن می‌گوییم، منظور ما حرکت از وضع و جامعه موجود به سوی وضع و جامعه مطلوب با رویکرد اسلامی - ایرانی است. در راستای تعامل مثبت میان دو عنصر عدالت و پیشرفت، معتقدیم الگوی عدالتی که در این نوشتار از آن یاد شده است، در صورت تحقق، پیشرفت‌های چشمگیری را در ابعاد مختلف اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی، قضایی، امنیتی، و فناوری ایجاد خواهد کرد؛ به گونه‌ای که نظام اسلامی را به الگویی موفق در جهان معاصر تبدیل خواهد کرد. تبیین و تشریح مفهوم و ماهیت عدالت و پیشرفت با رویکرد اسلامی - ایرانی، هدف اصلی این نوشتار تحقیقاتی است.

واژگان کلیدی: عدالت، پیشرفت، اسلام، ایران، اقتدار و عزت.

مقدمه

عدالت و پیشرفت با رویکرد اسلامی - ایرانی یکی از خواسته‌های به حق مردم ایران در طول تاریخ بوده است. هر چند در جهان معاصر، مساوات‌طلبی و پیشرفت در گفتمان‌های سوسیالیستی و لیبرال، پارادایم حاکم در بسیاری از کشورها بوده است؛ اما بی‌گمان ایرانیان مسلمان آن‌ها را با رویکرد اسلامی - ایرانی جستجو می‌کردند و اگر نخواهیم این دو تقاضای تاریخی ایرانیان را به گذشته‌های دور نسبت دهیم، لاقلاً این نیاز از عصر مشروطه تا کنون، آشکارا و به شیوه‌های مختلف مطرح شده است.

هنگامی که این مطالبات - که از ریشه فطری نیز برخوردارند - در نظام‌های سلطنتی قاجار و پهلوی تحقق نیافت، روحانیون مسلمان به رهبری امام خمینی (قدس سره) - با توجه به این نکته که مهمترین موانع این تقاضا، استبداد و استعمارند - به نبردی بی‌امان با رژیم استبدادی پهلوی و استعمار غربی به رهبری آمریکا دست زدند. با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی با رویکرد اسلامی - ایرانی و از میان برداشته شدن این موانع تاریخی در ایران - یعنی استبداد و استعمار - نوبت آن رسیده بود تا ایرانیان مسلمان در پرتو نظام نوپای اسلامی بر دو معضل دیگر، یعنی عقب‌ماندگی و بی‌عدالتی غلبه کنند. بر این اساس امام خمینی (ره) و مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران، تلاشی بی‌امان را آغاز کردند تا محرومان و مستضعفان، فقرای دردمند، تازیانه‌خوردگان تاریخ، کوخ‌نشینان و در یک کلام، طبقات پایین اجتماع، طعم شیرین عدالت را بچشند، شکاف طبقاتی حاصل از نظام استکبار و استثمار پر شود و همه اقشار جامعه در شعاع عدالت گسترگی و پیشرفت دولت اسلامی قرار گیرند.

از طرف دیگر کوششی انقلابی برای غلبه بر عقب‌ماندگی‌ها و رشدنایافتگی تاریخی صورت گرفت. اما این همه تلاش با بروز بحران‌های ناشی از سقوط رژیم استبداد، تلاش‌های مخالفان نظام و براندازان جمهوری اسلامی و توطئه‌های شیطان بزرگ (آمریکا) و یارانش، آن گونه که می‌بایست تحقق نیافت. در این میان، باید کم‌تجربگی‌ها، کژاندیشی‌ها و سوء مدیریت برخی از نیروهای درون انقلاب را نیز مانعی در راه تحقق عدالت و پیشرفت با رویکرد اسلامی - ایرانی دانست. به هر صورت دولت نوپای اسلامی در طی سه دهه از عمر خود توانست بحران‌ها، جنگ تحمیلی، محاصره‌ها و مشکلات ناشی از اقدامات دشمن را به خوبی از سر بگذراند و در زمینه عدالت گسترگی به طبقات پایین اجتماع کوشش خود را در کنار پیشرفت‌های بزرگ در زمینه

انرژی هسته‌ای، فناوری ماهواره، سلول‌های بنیادی، تسلیحات نظامی و مانند آن تداوم بخشد؛ اگر چه مسؤولان و مردم می‌دانستند که تا رسیدن به وضع مطلوب در موضوع عدالت و پیشرفت، با رویکرد اسلامی - ایرانی راه زیادی در پیش است.

بر این اساس، رهبر فرزانه انقلاب اسلامی با توجه به پیام عدالت‌خواهی انقلاب اسلامی و ضرورت پیشرفت نظام جمهوری اسلامی، «عدالت و پیشرفت توأمان» را راهبرد دهه آینده انقلاب و جمهوری اسلامی اعلام نمودند. شکی نیست که حرکت در این راه سترگ، نیازمند اقدام در دو قلمرو نظری و عملی است. در بخش عملی، نیازمند ارائه راهکارهای قانونی و اجرایی هستیم که پیش‌نیاز این اقدام، ارائه الگویی از ابعاد و شاخص‌های عدالت‌خواهی و پیشرفت بومی با مبنای اسلامی - ایرانی است. چرا که عدالت و پیشرفت با شعار و سطحی‌نگری و بدون داشتن الگو و نسخه عملی، به دست نخواهد آمد. علاوه بر آن، نیازمند عزم و تعصب ملی است. بنابراین، در بخش نظری لازم است مباحث مربوط به فلسفه عدالت و پیشرفت، به گفتمان حاکم در جامعه اسلامی ایران تبدیل شود تا این نیاز از سطح خواست تاریخی و فلسفی به فرهنگ عمومی تبدیل شود و همگان خواستار آن شوند.

بر این اساس، لازم است با تبیین و تشریح عدالت و ظلم، فلسفه عدالت‌خواهی، متغیرها و شاخص‌های آن، آثار و ابعاد عدالت‌خواهی و تأثیرات جامعه‌شناسی و روان‌شناختی آن از نظر اسلام روشن شود. این اقدام، نیاز جدی و اساسی جامعه امروز ماست و استمرار نظام جمهوری اسلامی در گرو آن است. حضرت آیت الله خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید: «گفتمان عدالت، یک گفتمان اساسی است و همه چیز ماست. منهای آن جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۸/۱۰).

بنابراین، عدالت‌خواهی باید در جامعه ما تبدیل به گفتمانی عمومی و همه‌گیر شده و نهادینه گردد؛ به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی: «... به گونه‌ای که هر جریانی، هر شخصی، هر حزبی و هر جناحی سر کار بیاید، خودش را ناگزیر ببیند که تسلیم این گفتمان شود؛ یعنی برای عدالت تلاش کند و مجبور شود پرچم عدالت را بر دست بگیرد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۸/۱۰).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سند چشم‌انداز ۲۰ساله، ابعادی از این خواست را بیان کرده‌اند، اما بسیار روشن است که دولت و ملت مسلمان ایران، نمی‌توانند برای تحقق این خواست تاریخی و ملی، مدل سوسیال دموکراسی یا مدرنیته غربی را الگوی خود قرار دهند؛ هر چند از

ابعاد مثبت این پروسه تاریخی که در غرب تحقق یافته و الگوی بسیاری از دولت‌ها و ملت‌ها قرار گرفته است، بهره خواهند گرفت. دلیل اینکه ما نمی‌توانیم مدل مدرنیته غربی یا مدل سوسیال دموکراسی را الگوی خود قرار دهیم، این است که هر دو مدل، در تضاد یا مغایرت با دین و سنت و معنویت معنا می‌یابند و توجه عمده آنان، بعد مادی انسان است؛ در حالی که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، «هدف عمده ما عبارت است از ساختن کشوری نمونه که در آن رفاه مادی، همراه با عدالت اجتماعی و توأم با روحیه و آرمان انقلابی، با برخورداری از ارزش‌های اسلامی تأمین شود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۴/۲۲).

بدین منظور، به تعبیر معظم له «مدل توسعه در جمهوری اسلامی به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، مواریث و اعتقادات و ایمان این مردم، یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران است. از هیچ‌جا نباید تقلید کرد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۲۷).

در مقابل، برخی اساساً وجود الگوی اسلامی - ایرانی را نفی می‌کنند که رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به ضرورت بهره‌گیری از الگوی بومی، به نقد دیدگاه آنان می‌پردازند:

«... می‌گویند: آقا کدام الگوی توسعه بومی؟ مگر می‌شود؟! ببینید، این همان رسوبات باقیمانده از گذشته است... اگر یک ملت می‌خواهد پیشرفت کند، نمی‌شود منتظر دیگران باشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۱۰).

بدین جهت این نوشتار در پی آن است که با تبیین و تشریح مفاهیم «عدالت» و «پیشرفت»، چارچوبی با رویکرد اسلامی - ایرانی برای آن بیابد و اینکه بتوانیم مدلی برای عدالت و پیشرفت با رویکرد اسلامی - ایرانی ارائه نماییم.

بخش اول: عدالت با رویکرد اسلامی - ایرانی

۱ - جایگاه و ضرورت عدالت

دادگری و عدالت خواهی، نیاز فطری و آرمان مشترک انسان‌ها در طول تاریخ بوده است. نهضت و انقلابی به پا نخواسته است که شعار عدالت در آن طنین نیفکنده باشد. مقبولیت و مشروعیت عدالت تا بدان جا بوده است که حتی ستمگران نیز برای توجیه اعمال خود در نبردها از عدالت سخن رانده‌اند. اگر فیلسوفان سیاسی از مدینه فاضله و جامعه آرمانی سخن گفته‌اند، منظورشان مدینه عدالت بوده است. ضمن اینکه باید توجه داشت که اساساً این نظام هستی، مبتنی بر عدل

است: بالعدل قامت السموات و الأرض (قمی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۱۶۶).

خداوند عادل است و بارها در قرآن کریم بر این نکته تأکید کرده است که به کسی ظلم نمی‌کند. در فلسفه بعثت انبیای عظام الهی نیز علاوه بر عبادت «الله» و «اجتناب از طاغوت»، بسترسازی برای قیام مردم به قسط و عدل، مأموریتی اساسی است: «لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (سوره حدید (۵۷)، آیه ۲۵).

• در تبیین جایگاه والای عدالت خواهی همین بس که رسول الله (ص) مأمور به دادگری بین مردم است؛ «أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ» (سوره شوری (۴۲)، آیه ۱۵). خداوند به (پیامبر) فرمان می‌دهد که به عدالت و نیکی (میان انسان‌ها) رفتار کند.

• «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (سوره نحل (۱۶)، آیه ۹۰).

• امر خاص خدای هستی بر مؤمنان این است که کاملاً به عدالت رفتار کنند، هر چند علیه خود و بستگانشان باشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ» (سوره نساء (۴)، آیه ۱۳۵).

از سویی دیگر در روایات اسلامی از عدالت بسیار سخن گفته شده است و نسبت به نقش بنیان‌برانداز ظلم، هشدارها داده شده است. در کلام امیر عدالت و شهید دادگستر، امام علی (ع)؛ ثبات دولت‌ها در اقامه سنت عدل دانسته شده است: «ثبات الدول باقامة سنن العدل» (محمدی‌ری شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۱۵۸). و چون عدالت، قانونی عام و شامل همه اجتماع است، حتی از جود و بخشش برتر است: العدل سائس عام و الجود عارض خاص فالعدل اشرفهما (محمدی‌ری شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۱۸۳۹).

در واقع حیات انسان‌ها و جوامع به عدل است و هیچ عنصری در پیشرفت کشورها، چون عدالت کارساز نیست: العدل حياه؛ و ما عمرت البلدان بمثل العدل (محمدی‌ری شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۱۸۳۹).

امام علی (ع) در پاسخ به ابن عباس، هنگامی که کفش کهنه خود را وصله می‌زد، ارزش حکومت را از آن ناچیزتر شمرد، اما یک استثنا قائل شد که در واقع علاوه بر نشان دادن مکانت بلند عدالت در سیره علوی، ملاک ارزشمندی نظام‌های سیاسی را نشان می‌دهد: أَلَا أَنْ أَقِيمَ حَقًّا (نهج البلاغه، خطبه ۳۳).

فهم و تدبیر در این مضامین راهگشای ما به سوی مدل اسلامی - ایرانی عدالت می‌گردد.

۲- چیستی و ملاک عدالت

با توجه به این نکات اگر بخواهیم مفهوم عدالت را دریابیم، این استثنا در سخن فوق که از حضرت امیر نقل کردیم، برای این منظور کافی است. عدالت بر اساس رویکرد اسلامی، یعنی برپایی حق. از سوی دیگر ایشان در تبیین مفهوم عدالت می‌فرماید: العدل يضع الأمور مواضعها (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷). بنابراین، عدالت با رویکرد اسلامی یعنی اینکه هر کس، آن گونه که شایسته است، بدون تبعیض در اختیارش قرار گیرد و همه چیز در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی و امنیتی در سطح تولید، توزیع و مصرف، در جایگاه قانونی خود بر اساس قوانین الهی قرار گیرد.

ملاک و معیار سنجش عدل یا ظلم بودن یک عمل نیز شریعت یا قانون اسلامی است. فرد یا گروه یا جامعه یا دولتی که بر اساس «ما انزل الله» عمل کند، به عدالت رفتار کرده است و هر نوع تعدی و زیر پا گذاشتن حدود الهی ظلم محسوب می‌شود. این مطلب را از کلام وحی دریافته‌ایم: «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (سوره مائده (۵)، آیه ۴۵). بنابراین، اگر عمل نکردن به شریعت الهی ظلم محسوب شود، مفهوم مخالف آن - که عمل به شریعت است - عین عدل خواهد بود. در تبیین مدل اسلامی - ایرانی عدالت باید موارد مطرح شده لحاظ گردد.

۳- الگوی عدالت با رویکرد اسلامی

عدالت، نیازمند الگوست و تا الگو تحقق نیابد، عدالت عینیت نمی‌یابد. خداوند در قرآن کریم برای پیاده کردن احکام اسلام، رسول الله (ص) را به عنوان الگوی نیکو معرفی می‌کند: «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (سوره احزاب (۳۳)، آیه ۲۱). اگر فرد الگو باشد؛ افکار، گفتار و رفتار او نمونه و سرمشق خواهد بود. امام علی (ع) درباره وجوه الگو بودن رسول خدا (ص) می‌فرماید: سیره القصد و سنته الرشد و کلامه الفصل و حکمه العدل (نهج البلاغه، خطبه ۹۳). اما اگر برنامه‌ای الگو قرار گیرد، منظور بهترین برنامه است که با رعایت اعتدال و به دور از افراط و تفریط و بر اساس حق تهیه شده است.

۴- قانون و مرانامه عدالت

باید توجه داشت که قانون عدل، آینه تمام نمای جامعه آرمانی و مطلوب است. هیچ اقدام

عدالت خواهانه‌ای بدون داشتن قانون اساسی به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. قانون عدل به منزله نرم‌افزار جنبش عدالت خواهی است. بدیهی است که با توجه به مطالبات ایرانیان مسلمان، این نرم‌افزار باید از اسلام ناب محمدی و با رویکرد ایرانی سرچشمه بگیرد و با توجه به نگاه مادی و نفی معنویت در لیبرالیسم و مارکسیسم، نمی‌توان با نرم‌افزار لیبرال دموکراسی و یا سوسیالیسم به عدالت اسلامی رسید.

عدالت در گفتمان سوسیالیستی و مارکسیستی به دلیل نفی مالکیت خصوصی و تأکید بر مالکیت اشتراکی و دولتی، در خوشبینانه‌ترین حالت، با مساوات اقتصادی مترادف است و حال آنکه می‌دانیم مساوات، اگر چه در مواردی با عدالت یکی است، ولی در تمام موارد با عدالت هم پوشانی ندارد. همچنین قوانین مارکسیستی به نفع طبقات خاصی، مانند پرولتر (کارگر صنعتی) و حداکثر کشاورز، جهت گیری دارد؛ در حالی که جامعه، تنها از این دو طبقه تشکیل نشده است و قانون باید شامل حقوق همه اقشار و طبقات اجتماعی باشد.

عدالت در گفتمان لیبرال دموکراسی نیز در خوشبینانه‌ترین حالت، حداکثر به تساوی حقوق در بعد سیاسی (دموکراسی) می‌انجامد و نسبت به ابعاد دیگر، به ویژه بعد اقتصادی پاسخی ندارد. توضیح اینکه: لیبرال دموکراسی از دو رکن «لیبرال» و «دموکراسی» تشکیل شده است. اولی بر معنای آزادی و دومی بر معنای حکومت مردم تأکید دارد. واقعیت این است که به تعبیر «اندرو لوین»^۱ (استاد دانشگاه ویسکانزین مدیسون آمریکا) نمی‌توان این دو رکن را در نظریه واحد منسجمی گرد آورد؛ چون موضع لیبرالی بر حیات فردی و خصوصی تأکید دارد، ولی در موضع دموکراتیک، حیات جمعی از اهمیت اساسی برخوردار است و راه حلی که لیبرال دموکراسی برای حل این تعارض طرح کرده است، به ضرر بعد دموکراتیک است و در عمل آنچه اتفاق می‌افتد، سطحی کردن دموکراسی است؛ به این معنا که در نظام‌های لیبرال دموکراسی تنها دموکراسی ظاهری وجود دارد، نه واقعی.

ضمن اینکه حتی اگر دموکراسی را نوعی عدالت سیاسی بدانیم، به دلیل تأکید لیبرال دموکراسی بر اقتصاد سرمایه‌داری، امکان دستیابی عملی به عدالت سیاسی، بدون عدالت اقتصادی وجود ندارد. روشن است که قانون عدالت خواهی، تنها در صورتی می‌تواند به نتیجه عینی برسد که مانند

یک سیستم، همه ابعاد را شامل شود.

اشکال دیگر قوانین مارکسیستی و لیبرال، مادی‌گرا بودن آنهاست. این قوانین در نهایت، توانایی حل مشکلات بُعد حیوانی انسان‌ها را دارد؛ هر چند از عهده همین منظور نیز بر نیامده است. قانون عدل در صورتی می‌تواند نرم‌افزار کاملی برای نظام عدالت‌محور باشد که هر دو ساحت مادی و معنوی انسان را در نظر داشته باشد؛ چنانکه این دو در وحی الهی و قرآن تجلی یافته‌اند. از این رو، قرآن کتاب جامع و جهان‌شمول الهی است. جوامع غیر الهی در گذر تاریخ نتوانسته‌اند قانون و مرامنامه جامعی از عدالت ارائه نمایند، چرا که پیچیدگی انسان و شناختن سعادت او باعث شده که قوانین مکتوب عدالت بشری، دارای نواقص فراوانی باشند. اما رجوع به قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) می‌تواند قانون و مرامنامه واقعی عدالت را جهت سعادت انسان‌ها به همراه آورد.

بخش دوم: پیشرفت با رویکرد اسلامی - ایرانی

۱- چستی پیشرفت

پیشرفت به معنای جلو رفتن و در مقابل در جا زدن و عقب‌گرد است. منظور آن است که فرد یا گروه یا جامعه یا دولت، در راهی که برگزیده است به سوی هدف پیش بروند. میزان پیشرفت نیز به میزان نزدیکی به هدف بستگی دارد. بدیهی است که حرکت به سوی آینده، بدون توجه به گذشته و حال بی‌معناست.

باید به این نکته توجه داشته باشیم که منظور از پیشرفت یا توسعه، مدرنیته غربی یا توسعه مارکسیستی نیست؛ چرا که در چرخه پیشرفت در دنیای غرب و به تعبیری روند حرکت به سمت مدرنیته - که از حدود قرن ۱۵-۱۴ میلادی پس از رنسانس است - در تضاد با سنت و گذشته معنا می‌شود. بر این مبنا، مدرنیته غربی، سنت دینی گذشته را زیر پا می‌گذارد و آن را قدیمی و ارتجاعی و دور انداختنی معرفی می‌کند و حداکثر به حفظ دین در سطح فردی می‌اندیشد. مدرنیسم و مکتب‌نوسازی یا مدرنیزاسیون نیز که بعدها با الهام از مدرنیته غربی در برخی از کشورها به اجرا درآمد، همین تضاد با سنت و مذهب را در درون خود دارد. در مفهوم پیشرفت در گفتمان مدرنیته، سکولاریزم، غلبه یافته و جامعه و دولت فارغ از دین و نهادهای آن (کلیسا)، نشانگر پیشرفت بوده است.

پیشرفت و توسعه در تفکر مارکسیستی نیز به نوعی دیگر در تضاد با دین و اندیشه‌های متعالی الهی

است. در این تفکر الحاد و مادیگری صرف و نفی مالکیت، معنویت و خدا، از شاخص‌های پیشرفت معرفی می‌شود. آنان بر اساس «دیالکتیک» فلسفی، مسیری جبری را برای پیشرفت جامعه و تاریخ قائلند؛ لذا پیشرفت را به میزان حرکت به سوی جامعه «کمونیستی» بر اساس «ماتریالیسم» تاریخی می‌دانند.

با توجه به این موارد، اگر از پیشرفت در این نوشتار سخن می‌گوییم؛ منظور ما حرکت از وضع و جامعه موجود به سوی وضع و جامعه مطلوب است. اما این حرکت، نه در تضاد با سنت و دین معنا می‌شود، نه تک‌ساحتی است و نه «دترمینیستی» و بر اساس جبر تاریخ؛ بلکه حرکتی است برخاسته از اراده انسان‌ها، در مجموع تکاملی، بر اساس سنت‌ها و قوانین ثابت الهی که در برگیرنده ابعاد مختلف مادی و معنوی زندگی فرد و جامعه است و در راستای ارائه الگو و مدل اسلامی - ایرانی توسعه می‌باشد.

در راستای تعامل مثبت میان دو عنصر عدالت و پیشرفت نیز معتقدیم الگوی عدالتی که در این مجموعه ذکر می‌شود، در صورت تحقق، پیشرفت‌های چشمگیری را در ابعاد مختلف اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی، قضایی، امنیتی و فناوری ایجاد خواهد کرد؛ به گونه‌ای که جامعه اسلامی ایران را به الگویی موفق در جهان معاصر با تأسی به رویکرد اسلامی - ایرانی پیشرفت بدل خواهد کرد.

۲- الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی

الگوی پیشرفت در نظام آرمانی اسلام، ابعادی به شرح ذیل را شامل می‌شود، که هر یک به خودی خود از اهمیتی در خور توجه برخوردارند و در این بخش به پاره‌ای از ابعاد آن اشاره می‌نماییم:

۲-۱: پیشرفت اخلاقی

تردیدی در این نکته وجود ندارد که مهمترین مشکلات و معضلات جوامع پیشرفته مادی در دنیای غرب، مشکلات اخلاقی است. نسبی‌گرایی اخلاقی و آزادی‌های نامشروع جنسی، پیامدهای زیانبار فراوانی برای این جوامع به دنبال داشته است. با توجه به این پدیده، پرسش این است که الگوی ما در اخلاق چیست؟ ما که طبق الگوی عدالت به سوی هدف پیشرفت یا توسعه (در معنایی که بیان کردیم)، در حرکتیم، در هدفگذاری اخلاقی، چه الگوی مناسبی را باید مد نظر

قرار دهیم؟

اعتقاد ما بر آن است که رسول الله (ص)، الگوی حسنه اخلاقی ما به شمار می‌رود؛ چه اینکه علاوه بر آیه « لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ »، خداوند ایشان را با عنوان « وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ » (سوره قلم (۶۸)، آیه ۴) توصیف فرموده است. پس از ایشان نیز امامان پاک شیعه، الگوی اخلاقی ما به شمار می‌روند و در ادامه نیز اساساً راه رسیدن به تقوا، بزرگراه عدالت است؛ چه اینکه خدای سبحان می‌فرماید: «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» (سوره مائده (۵)، آیه ۸).

بر این اساس ما در صورتی به پیشرفت همه جانبه در قلمرو اخلاق نائل می‌شویم که با تأسی به مبانی قرآن کریم و سنت پیامبر، آن الگوی اصیل اسلامی را بر اساس رویکرد ایرانی عینیت ببخشیم.

۲-۲: پیشرفت سیاسی

الگوی پیشرفت در بعد سیاسی با رویکرد اسلامی - ایرانی نظام ولایی یا امامت است. بنابراین، الگوهای مطرح در دیگر نظام‌های سیاسی؛ مانند خلافت، سلطنت (مطلقه یا مشروطه)، جمهوری دموکراتیک سوسیالیستی و یا لیبرال دموکراسی و مانند آن پذیرفته نیست؛ زیرا این الگوها انطباقی تام و کامل با الگوهای صدر اسلام و جامعه اسلامی ندارد.

ویژگی‌های کلی این نظام، آن گونه که از آیات و روایات بر می‌آید، به شرح ذیل است:

الف- در رأس حکومت، شایسته‌ترین انسان روی زمین قرار دارد که در عین حال مرجع دینی نیز هست.

ب- رسالت اصلی آن، برپایی عدل، اجرای احکام اسلام با تمام جزئیات آن، احسان به مردم، عمران و امنیت کامل و ایجاد محیط عبادت خالصانه برای بندگان خداست.

ج- کارگزاران این نظام، شایسته‌ترین افراد ملت، پرورش یافته در مکتب اسلام ناب و برگزیده امامند.

د- نظام یاد شده، ماهیتی جهانی دارد؛ نه نژادی، قومی، ملی یا منطقه‌ای.

ه- مردم در این نظام از بالاترین درجه کرامت برخوردارند و رابطه آنان با حکومت، عاشقانه است.

و- معیار برتری افراد در این نظام سیاسی، ایمان و تقوا، علم و دانش و جهاد فی سبیل الله است، نه

ثروت و مقام مادی و قدرت ظاهری.

همچنین بر اساس آیه (۵۵) سوره نوره، خداوند وعده حاکمیت صالحان بر روی زمین را می‌دهد که نتیجه آن حاکمیت دین مورد رضایت مؤمنان صالح، امنیت و عبادت بدون شرک است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مَن قَبْلِهِمْ وَ لَا يَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَا يَكْبِتُ لَهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمَّا يَعْبُدُونَني لَا يَشْرِكُونَ بي شَيْئاً وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (سوره نور (۲۴)، آیه ۵۵).

معیارهای برتری افراد در این نظام سیاسی نیز از آیات ۱۳ حجرات، ۱۱ مجادله و ۹۵ و ۹۶ سوره نساء، روشن می‌شود. بنابراین، الگوی پیشرفت سیاسی با ویژگی‌های شش گانه ذکر شده، بی‌گمان همه ارکان قدرت را در مدل پیشرفت سیاسی با رویکرد اسلامی - ایرانی شامل می‌گردد؛ از رهبری تا بخش قضایی، تقنینی، اجرایی، نظامی و دیگر نهادهای سیاسی و حکومتی.

۳- پیشرفت اقتصادی

باید توجه داشت که اصل حاکم و روح الگوی پیشرفت اقتصادی در جامعه آرمانی با رویکرد اسلامی - ایرانی، عدالت اقتصادی است. این اصل در همه ابعاد اقتصاد، اعم از کشاورزی، خدمات و صنعت و در کلیه مراحل، اعم از تولید، توزیع و مصرف، حاکم، ساری و جاری است. در چنین مدل و الگویی؛ اقتصاد، وسیله‌ای است برای رسیدن به مراحل عالی انسانی؛ یعنی رسیدن به مقام بلند تقوا و عبد خالص خدا بودن. بنابراین در رویکرد اسلامی - ایرانی پیشرفت در قلمرو اقتصاد، اقتصاد فی نفسه هدف نیست؛ بلکه از آنجا که مقدمه‌ای برای اهداف متعالی به شمار می‌رود، حائز اهمیت است.

نباید گمان کرد که منظور از عدالت اقتصادی، توزیع فقر در جامعه است و برخلاف تصویری که زهد و تقوا و عدم وابستگی به دنیا را با فقر و بی‌نویی مترادف می‌گیرد، در جامعه اسلامی، شاهد نزول برکات آسمانی و زمینی بر بشر خواهیم بود. در این الگو شکوفایی اقتصاد در همه ابعاد، آنچنان است که همه مردم از آن بهره می‌برند، محتاج صدقه‌ای یافت نمی‌شود، زمین گنج‌های ظاهری و باطنی خود را بر انسان‌ها می‌گشاید و عصر، عصر فراوانی نعمت‌های الهی است.

پیشرفت اقتصادی با رویکرد اسلامی - ایرانی، خود مبتنی بر انقلابی اقتصادی است که لازم است اقتصاددانان در چرایی و چگونگی آن بیندیشند. تردیدی نیست که تبدیل صحرائی خشک و بی‌آب و علف، بدون یک انقلاب بنیادین در عرصه محیط زیست و کشاورزی، ناممکن است.

در عین حال در الگوی پیشرفت اقتصادی (اسلامی - ایرانی) برخلاف اقتصاد سرمایه‌داری، از تراکم ثروت در دست طبقه‌ای خاص (سرمایه‌داران) جلوگیری می‌شود تا به تعبیر قرآن: «کی لا یكون ذولاً بین الأغنیاء منکم» (سوره حشر (۵۹)، آیه ۷).

بر این اساس، جنگ فقر و غنا خاتمه می‌یابد و از شکاف طبقاتی در جوامع خبری نخواهد بود. باید توجه داشت که بخشش اقتصادی، خود در ایجاد عدالت در جامعه نقش مهمی دارد. دست و دلبازی حاکمان نسبت به توده‌ها و سعه صدر آن‌ها در بخشش به نیازمندان به کم شدن شکاف طبقاتی در جامعه، کمک شایانی می‌کند. همانطور که پیشرفت و توسعه نظام اقتصادی سرمایه‌داری مردود بود، الگوی پیشرفت و توسعه در نظام اقتصادی سوسیالیستی نیز، مورد انکار است، چون در الگوی اسلامی - ایرانی بر اساس "لیقوم الناس بالقسط"، مردم؛ نقش‌آفرین اصلی صحنه‌های اقتصادی‌اند و دولت‌سالاری و نفی مالکیت به رسمیت شناخته نمی‌شود. هر چند از مالکیت‌های نامشروع جلوگیری می‌شود و حدی شرعی و عقلایی بر آن تعریف می‌گردد. تقسیم ثروت در این الگو در چارچوب اسلام و مبتنی بر عدالت صورت می‌گیرد.

یکی از هدف‌گذاری‌های اقتصادی در بخش کشاورزی در این الگو، افزایش امکان بهره‌مندی از منابع آب و رودخانه‌ها می‌باشد. به سخن رسول خدا: "و نرید المیاه فی دولته و تمد الانهار" که نتیجه‌اش افزایش چشمگیر تولیدات کشاورزی و غذایی است، به گونه‌ای که فرمود: "و تضعف الارض اکلها" (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵: ۱۴۵)

همچنین باید توجه داشت که پیشرفت اقتصادی در این الگو با حفظ محیط زیست و حیات جانوران و دیگر موجودات همراه است، به گونه‌ای که طبق سخن پیامبر اعظم، اهل آسمان و زمین، پرندگان، حیوانات و ماهیان دریا نیز از این شکوفایی شادمانند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵: ۴۷۲). هدف‌گذاری دیگر پیشرفت اقتصادی بر اساس رویکرد اسلامی - ایرانی، تسخیر فضا و کرات آسمانی - علاوه بر زمین - است، یعنی تلاش می‌شود تا آیه "و سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض جمیعاً" (سوره جاثیه (۴۵)، آیه ۱۳)، مصادیق خود را به روشنی پیدا کند. تردیدی نیست که لازمه رسیدن به این هدف، انقلابی عظیم در فناوری است، به ویژه در بخش فضایی و آسمانی که مستندات این امور در روایات متعدد بیان شده است.

با توجه به مطالبی که ذکر شد، می‌توان نتیجه گرفت که الگوی پیشرفت در بخش اقتصادی، با رویکرد اسلامی - ایرانی؛ عمران همراه با عدالت اقتصادی است. به گونه‌ای که فقر و فساد و

تبعیض اقتصادی از بین می‌روند و اقتصاد جامعه در همه ابعاد با وقوع انقلاب‌های متعدد در بخش‌های مختلف اقتصادی، به نهایت شکوفایی می‌رسد و اگر امروز، دنبال پیشرفت بر اساس الگوی اسلامی هستیم، لازم است این اهداف توسط اقتصاددانان و مسئولان مربوطه، عملیاتی و اجرایی شود.

۴- پیشرفت علمی - فرهنگی

در این بخش از الگوی پیشرفت در مدل اسلامی - ایرانی از یک سو وحدت فرهنگی بر اساس اسلام را هدف می‌گیرد، فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر در پرتو فرهنگ ناب اسلامی رنگ می‌بازد و از سوی دیگر، جهت‌گیری برای محو کامل جهل، بدعت، گمراهی و هر آنچه باطل و ستم است؛ صورت می‌پذیرد. چراکه پیشرفت و تعالی علمی، فرهنگی با رویکرد اسلامی - ایرانی از جایگاه مهم و ممتازی برخوردار است.

راهکار جدی برای رسیدن به این پیشرفت، احساس مسئولیت عمومی در عرصه فرهنگ است که در قالب امر به معروف و نهی از منکر اسلامی، متجلی می‌گردد.

و میث الله عزو جل به و باصحابه البدع و الباطل کما امات السفهه الحق، حتی لایری اثر من الظلم و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و لله عاقبه الامور؛ خداوند نیز به کمک مهدی (ع) و اصحابش، بدعت‌ها و باطل را از بین می‌برند، همانطور که سفیهان حق را نابود کردند، تا آن که اثری از ظلم باقی نمی‌ماند. آنان امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و عاقبت از آن خداوند است (صافی گلپایگانی، بی تا: ۴۷۰).

علاوه بر این در جامعه اسلامی، توسعه دانش و تولید علم مورد توجه اساسی است. از امام باقر (ع) نقل شده است: و تؤتون الحکمه فی زمانه حتی أن المرآه لتقضی فی بیتها بکتاب الله تعالی و سنه رسوله؛ در زمان مهدی (ع) به شما حکمت عطا می‌شود تا آنجا که حتی زن در خانه‌اش بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) قضاوت می‌کند (سلیمان، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۶۲۲).

آن گونه که از روایات به دست می‌آید، از راهبردهای پیشرفت علمی - فرهنگی، پرورش عقل انسان‌هاست. بر این اساس در جامعه ایده‌ال بر پایه رویکرد اسلامی - ایرانی، توسعه عقلانیت امری اساسی است. عقل‌گرایی، اندیشه‌ورزی و تصمیمات کارشناسی از ویژگی‌های یک جامعه رشد یافته است. منظور ما در اینجا عقل منقطع از وحی - چنانچه در جوامع سکولار و مادی معتبر است - نیست. در مدل ایرانی - اسلامی پیشرفت، تضادی بین عقل و وحی وجود ندارد. انسان‌ها،

همچون جوامع مادی امروز، در حد بهره‌مندی از احساس لذات مادی تنزل پیدا نمی‌کنند. با توجه به موارد مطروحه، یکی از هدف‌گذاری‌ها در پیشرفت علمی- فرهنگی، باید ایجاد نهضت شکوفاسازی عنصر عقلانیت و خرد آدمیان باشد. تردیدی نیست که در شرایط مساعد فرهنگی، با توسعه عقلانیت در پناه بهره‌گیری از وحی الهی، نهضت کامل نرم‌افزاری و تولید علم، صورت می‌گیرد. در روایتی از امام صادق(ع) نقل شده است که علم، بیست و هفت حرف (بخش) است و تمام آنچه انبیا(ع) آورده‌اند، دو حرف است و مردم تا کنون غیر از این دو بخش چیزی نمی‌دانند. هنگامی که قائم(عج) ما ظهور کند، بیست و پنج بخش دیگر را ظاهر نموده، در بین مردم تثبیت می‌کند و آن دو بخش گذشته را به آن می‌افزاید(کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۲۵) بنابراین پیشرفت علمی- فرهنگی یکی از شاخصه‌های مهم پیشرفت با رویکرد اسلامی- ایرانی به شمار می‌رود.

۵- پیشرفت قضایی

شکی نیست که یکی از اساسی‌ترین ابعاد پیشرفت در جامعه ایده‌آل بر اساس رویکرد اسلامی- ایرانی توسعه و پیشرفت قضایی است، مهمترین شاخص در این زمینه نیز برپایی عدالت است. عدالت از ابتدای روند مراجعه به دستگاه قضایی تا پایان صدور حکم و اجرا را شامل می‌شود. بر عدالت قاضی تا آنجا تأکید شده است که او حتی در نگاه به طرفین دعوا باید عدالت را رعایت کند. اینکه چگونه می‌توان به الگوی پیشرفت در بخش قضایی، یعنی برپایی عدالت در جامعه با رویکرد اسلامی- ایرانی رسید، با الهام از روایات، برخی از موارد را بیان می‌کنیم:

الف- حضور شایسته‌ترین افراد در رأس دستگاه قضایی. این شایستگی با چند معیار مشخص می‌شود که عبارتند: از علم و تخصص بالای فقهی و حقوقی، تجربه قضاوت، پارسایی در عالی‌ترین سطح، شجاعت، عبودیت الهی و هوشیاری و هوشمندی؛

ب- قاطعیت، شجاعت و سرعت در اجرای احکام؛

ج- شریعت محوری در برابر تفسیر به رأی؛

د- پیشبرد سرعت در سیستم اطلاع‌رسانی قضایی؛ این پیشرفت که قاعدتاً با بهره‌گیری از دستگاه‌های بسیار پیشرفته صورت می‌گیرد، سرعت در صدور و اجرای حکم را بسیار بالا برده و مشکل اطالۀ دادرسی را حل می‌کند. امام باقر(ع) درباره سیستم یاد شده در حکومت حضرت مهدی(عج) می‌فرماید: اذا قام القائم بعث فی کل اقالیم الارض فی کل اقلیم رجلاً ثم یقول له:

عهدك فی كَفَك، فاذا ورد عليك - ما تفهمه و لا تعرف القضاء فيه - فانظر الی كَفَك و اعمل بما فيها؛ زمانی که قائم (عج) قیام کند، به تمام مناطق زمین فرستاده‌ای اعزام می‌دارد و به او می‌گوید: عهدنامه‌ات [دستور العمل] در کف دست توست. پس هرگاه مسأله‌ای برایت پیش آمد که آن را نشاخی و چگونگی قضاوت درباره آن را ندانستی، به کف دست نگاه کن و بر اساس آن عمل کن (سلیمان، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۶۳۲).

اگر درک این مفهوم، یعنی اخذ دستورالعمل و حکم از کف دست، در گذشته بسیار مشکل می‌نمود، امروزه با پیشرفت در علوم الکترونیک، بسیار آسان است. این حدیث حاکی از سیستم دستیابی بسیار سریع به حکم است.

ه- پیشگیری بسیار پیشرفته از وقوع جرم؛ در یک نظام قضایی پیشرفته براساس رویکرد اسلامی - ایرانی، مجرمان؛ حتی دور از انظار افراد نیز در امان نیستند. این مهم با کمک دستگاه‌های پیشرفته اطلاعاتی می‌تواند صورت گیرد.

و- محو رانت‌بازی و دیگر اشکال فساد اداری و قضایی؛ نفی خویشاوندگرایی، رشوه، پارتی‌بازی و حق‌ستانی، حتی در سخت‌ترین شرایط، از دیگر ابعاد پیشرفت قضایی در جامعه اسلامی بر اساس رویکرد اسلامی - ایرانی است.

۶- رشد امنیتی

شاخص دیگر در الگوی پیشرفت در جامعه اسلامی بر مبنای رویکرد اسلامی - ایرانی، برقراری امنیت است. امنیت همه ابعاد فیزیکی، روانی، مالی و عرض و آبرو را شامل می‌شود. امنیت در ابعاد داخلی و خارجی - همسایگان و نظام بین‌المللی - نیز از جمله موارد آن است. برقراری امنیت، خود مشروط به ریشه‌کنی ظلم و جور است. از یک سو، بین عدالت گسترده و برقراری امنیت، رابطه‌ای اساسی وجود دارد و از سوی دیگر، امنیت جامعه، مبتنی بر پیشرفت اخلاقی است، یعنی بین امنیت و تکامل اخلاقی نیز رابطه‌ای مستحکم وجود دارد.

۷- فناوری ارتباطات و اطلاعات

از دیگر شاخص‌های پیشرفت در دولت مطلوب با رویکرد اسلامی - ایرانی، توسعه فناوری ارتباطات و اطلاعات است. آنچه از احادیث مربوط به این زمینه دریافت می‌شود، حاکی از پیشرفت چشمگیر در این فناوری است. پیشرفت‌های ارتباطی و اطلاعاتی در دولت کریمه

مهدوی، همه ابعاد زمینی، دریایی، هوایی، جوی و کرات آسمانی را در بر می گیرد. همچنین می فرماید: «در زمان قائم (عج)، مؤمن که در شرق (عالم) است، برادر خود را در غرب (عالم) می بیند و بالعکس» (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۲: ۴۸۳). همچنین گوش و چشم شیعیان تقویت می شود، به گونه ای که آنان امام را در جایگاه خود می بینند و بدون نیاز به حضور فیزیکی، با او سخن می گویند (کلینی، ۱۳۶۳: ۲۴۰).

شاخصه های عدالت و پیشرفت در رویکرد اسلامی - ایرانی

ویژگی های نظام جهانی با رویکرد اسلامی - ایرانی، با هیچ نظام دیگری قابل مقایسه نیست. در این نظام، جهانی بر پایه معنویت، عقلانیت، انسانیت، عدالت، امنیت و... شکل می گیرد و از این رو، جامعه ای است کامل و متعالی. عدالت در رویکرد اسلامی - ایرانی، فراگیر، گسترده و عمیق است. جهانی شدن اسلامی، به تاریخ سراسر ظلم و جور جهان پایان می دهد، به ریشه کنی ستم ها و تبعیض ها از جامعه بشری می پردازد و در یک نظام اجتماعی، بر پایه مساوات و برابری رفتار می کند. احادیث زیادی به این موضوع پرداخته اند؛ به عنوان مثال ابوسعید خدری از پیامبر (ص) نقل می کند: «شما را به ظهور مهدی (عج) بشارت می دهم که زمین را پر از عدالت می کند، همانگونه که از جور و ستم پر شده است، ساکنان آسمان ها و زمین از او راضی می شوند و اموال و ثروت ها را به طور صحیح تقسیم می کند. شخصی پرسید: معنای تقسیم صحیح ثروت چیست؟ فرمود: به طور مساوی در میان مردم (سپس فرمود): و دل های پیروان محمد را از بی نیازی پر می کند و عدالتش همه را فرا می گیرد» (شبلنجی، ۱۴۰۵: ق: ۲۰۰).

علی عقبه بن سمعان از پدرش چنین نقل می کند: هنگامی که قائم قیام کند، براساس عدالت حکم می کند و ظلم و جور در دوران او برچیده می شود و راه ها در پرتو وجودش، امن و امان می گردد و زمین برکاتش را خارج می سازد و هر حقی به صاحبش می رسد... و کسی موردی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی یابد؛ زیرا همه مؤمنان، بی نیاز و غنی خواهند شد (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۲: ۱۷۰) و در روایتی دیگر آمده است: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»؛ خداوند به وسیله او زمین را پر از عدل و داد می کند، پس از آن که از جور و ستم پر شده باشد (طبرسی، بی تا، ۹۸).

دانش در دوره حکومت جهانی که غایت حرکت رویکرد اسلامی - ایرانی است، به آخرین

درجه تکامل خود می‌رسد. به بیان دیگر، در این دوران، هم توسعه علمی و هم توسعه اقتصادی به صورت همه جانبه اتفاق می‌افتد. از این رو، تمام علوم برای دستیابی به حداکثر پیشرفت و تولیدات به کار می‌افتد. احادیثی بر این موضوع اشاره دارند، از جمله امام صادق (ع) فرمود: «علم و دانش بیست و هفت حرف (شعبه) است. تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آورده‌اند، دو حرف بیش نبود و مردم تا کنون جز آن دو حرف را نشناختند، اما هنگامی که قائم ما قیام کند؛ بیست و پنج حرف دیگر را آشکار و در میان مردم منتشر می‌سازد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲: ۳۳۶)، و حکومت او شرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت و گنجینه‌های زمین برای او ظاهر می‌شود و در سراسر جهان جای ویرانی باقی نخواهد ماند، مگر این که آن را آباد خواهد ساخت (صبان، ۱۳۹۸ق، ۱۴۱-۱۴۰).

امام باقر (ع) نیز فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان گذارد تا خرده‌ای آنان را گرد آورد و رشدشان را تکمیل گرداند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲: ۳۲۸).

معنویت و پیشرفت با رویکرد اسلامی در حکومت جهانی آخرالزمان در حد اعلاست. در روایتی آمده است: «رجالٌ لا ینامونَ اللَّیْلَ لَهُمْ دَوِیٌّ فِی صَلَاتِهِمْ کَدَوِیِّ النَّحْلِ یَبِیتُونَ قِیاماً عَلَی أَطْرَافِهِمْ؛ مردانی که شب‌ها نمی‌خوابند، در نمازشان چنان اهتمام و تضرعی دارند که انگار زنبوران عسل در کندو و زوز می‌کنند، شب را با نگرهبانی دادن پیرامون خود به صبح می‌رسانند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲: ۳۰۷).

در یک حکومت ایده آل با رویکرد اسلامی - ایرانی امنیت شرط توسعه و لازمه پرداختن به معنویت است. در حدیث می‌خوانیم: «حَتَّى تَمْشِی الْمَرْأَةُ بَیْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمِیْهَا عَلَی النَّبَاتِ وَ عَلَی رَأْسِهَا زَیْنَتُهَا لَا یَهِیْجِسُهَا سُبْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ؛ راه‌ها امن می‌شود چندان که زن از عراق تا شام برود و پای خود را جز بر روی گیاه نگذارد. جواهراتش را بر سر بگذارد، هیچ درنده‌ای او را به هیجان و ترس نیفکند و او نیز از هیچ درنده‌ای نترسد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۲: ۴۷۴).

یرضی بخلافته السماوات و الارض یحبّه اهل السماوات و الارض؛ حکومت جهانی اسلام، حکومتی است که آسمان و زمین، هر دو اظهار رضایت و خشنودی می‌کنند و عرشیان و فرشیان، آن را دوست دارند، حکومتی که نتیجه و برکات آن برای همه، حتی مردگان، فرج و گشایش است (محمدی‌ری شهری، ۱۴۱۶ق: ۱۸۷).

ابزارهای تحقق جهانی شدن اسلامی با رویکرد اسلامی - ایرانی

نظام جهانی اسلام، برای تحقق خویش، نخست به اصل دعوت و هدایت عمومی و در صورت مواجهه با انسان‌های لجوج به جهاد فی سبیل الله متکی است:

۱- اصل دعوت و هدایت

قرآن در این باره می‌فرماید: «ما أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا» ما تو را جز برای بشارت و بیم دادن همه مردم نفرستادیم (سوره سبأ (۳۴)، آیه ۲۸). و نیز می‌فرماید: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا»؛ بگو: ای مردم من فرستاده خدا به سوی شما هستم (سوره اعراف (۷)، آیه ۱۵۸).

همچنین، پیامبر گرامی اسلام (ص) رسالت خود را دعوت و هدایت تمامی مردم دانسته و می‌فرمود: «... فَإِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً لِأَنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ»؛ من پیامبر خدا برای تمامی بشریت هستم. وظیفه دارم زنده‌ها را انذار و هشدار دهم و فرمان عذاب بر کافران مسلم گردد (میانجی، بی تا: ۹۰).

دعوت و هدایت اسلامی بر پایه صلح و دوستی قرار دارد؛ زیرا همان‌گونه که راغب اصفهانی در مفردات می‌نویسد: «الصُّلْحُ تَخْتَصُّ بِإِزَالَةِ النَّفَارِ بَيْنَ النَّاسِ؛ صلح به زدودن کدورت از میان مردم اختصاص دارد و به زدودن آن کمک می‌کند (نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۵۶). خداوند سبحان هم به پیامبر دستور می‌دهد که چنانچه دشمن تو از در مسالمت وارد شد، تو نیز با آن موافقت کن: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا»؛ اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی (سوره انفال (۸)، آیه ۶۱).

۲- اصل جهاد و دفاع

اگر دعوت اسلامی مؤثر نیفتاد و انسان‌های لجوج به مقابله با اسلام برخاستند و یا کسانی که دعوت را پذیرفتند، با خطر مواجه شوند، آنگاه اسلام بر جهاد و یا دفاع تأکید می‌ورزد. به آیاتی در این باره توجه کنید:

۱- «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ»؛ ای پیامبر! با کافران منافقان جهاد کن و بر آنها سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است و چه بد سرنوشتی دارند (سوره توبه (۹)، آیه ۷۳).

۲- «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ و در راه خدا، با

کسانی که به شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد (سوره بقره (۲)، آیه ۱۹).

۳- «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجْتُمُوهُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يِقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ»؛ و آنها را [بت پرستانی که از هیچ‌گونه جنایتی ابا ندارند] هر کجا یافتید، به قتل برسانید! و از آن جا که شما را بیرون کردند [از مکه] آنها را بیرون کنید! و فتنه (و بت پرستی) از کشتار هم بدتر است و با آنها، در نزد مسجد الحرام [در منطقه حرم] جنگ نکنید! مگر اینکه در آنجا با شما بجنگند. پس اگر (در آنجا) با شما پیکار کردند، آنها را به قتل برسانید؛ چنین است جزای کافران (سوره بقره (۲): آیه ۱۹۱).

جمع‌بندی و نتایج پژوهش

در این نوشتار تحلیلی، در پاسخ به این پرسش که الگوی عدالت و پیشرفت بر اساس رویکرد اسلامی - ایرانی چیست، تلاش نموده‌ایم. نتیجه‌ای که از مباحث یاده شده به دست می‌آید، این است که اولاً هر نوع تصویری که نظام اسلامی را فاقد الگو در این زمینه معرفی می‌کند، مردود است. بنابراین، توصیه برخی روشنفکران و غرب‌گرایان مبنی بر اینکه ما ناچار به تقلید از مدل‌های توسعه و مساوات خواهی در غرب (اعم از لیبرال دموکراسی یا سوسیال دموکراسی و مارکسیسم) هستیم، نادرست است. این نگاه، ما را از انفعال در مقابل الگوهای مبتنی بر آموزه‌های غربی باز می‌دارد.

ثانیاً، مقابله آموزه‌های اسلامی با مقوله تحجر و عقب‌ماندگی است که در پیشرفت‌های چشمگیر در دولت آرمانی با رویکرد اسلامی - ایرانی تجلی می‌یابد. بنابراین، نگاه شیعی به توسعه، به گونه‌ای است که نه تنها با ترقی و پیشرفت مخالفی ندارد، بلکه مصادیق طرح شده در این مکتب و آرمان‌های پیش روی آن، بسیار فراتر از همه پیشرفت‌های دنیای مدرن است.

در نتیجه، نظام اسلامی، با توجه به مبانی معرفت‌شناختی، شعارها، اهداف و انگیزه‌های انقلاب اسلامی، به ویژه خواست مردم مسلمان ایران در جریان انقلاب اسلامی که از جمله در شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» تجلی داشت، نمی‌تواند از الگوهای غربی تقلید کند. بنابراین، باید ضمن بهره‌گیری از تجربیات مثبت و عقلانی آنها از توسعه‌ای جامع با رویکرد اسلامی - ایرانی استفاده نماید و الگوپذیری صرف از مدل‌های لیبرالی و مارکسیستی، برای هرگونه

پیشرفتی، نقض غرض خواهد بود. لذا بر صاحب نظران و اندیشمندان اسلامی فرض است که با بهره گیری از مکانیزم اجتهاد و طبق مقتضیات زمان و مکان در تبیین و عملیاتی کردن عدالت و پیشرفت با رویکرد اسلامی - ایرانی همت گمارند و گفتمان عدالت و پیشرفت را با رویکرد اسلامی - ایرانی در جامعه حاکم سازند.

در صورت تحقق عدالت و پیشرفت با رویکرد اسلامی - ایرانی، نظام اسلامی ایران به الگویی موفق در جهان معاصر تبدیل خواهد شد و این میسر نمی گردد، مگر اینکه حرکتی همگانی جهت تأمل و تدبر در مضامین والای دین مبین اسلام صورت گرفته و با بومی سازی آن، مدلی جامع از عدالت و پیشرفت با رویکرد اسلامی - ایرانی را به جهانیان ارائه نمایم.

منابع

- آمدی، عبدالواحد(بی تا)، **نور الحکم و درر الکلم**، ترجمه محمدعلی انصاری، بی جا.
- احمدی میانجی، علی(بی تا)، **مکاتیب الرسول**، بیروت: دار المهاجر.
- حر عاملی، محمد بن حسن(۱۴۰۳ق)، **وسائل الشیعه**، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- سلیمان، کامل(۱۴۰۵ق) **روزگار رهایی**، ج ۲، ترجمه علی اکبر مهدی پور، تهران: نشر آفاق.
- شبلنجی، مؤمن بن حسن(۱۴۰۵ق)، **نور البصار فی مناقب آل بیت النبی المختار**، بیروت: الدار العالمیه.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (گردآوری) (۱۳۸۳)، **نهج البلاغه**، ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع).
- صافی گلپایگانی، لطف الله(۱۳۷۲)، **منتخب الاثر فی امام الثانی عشر(ع)**، تهران: مکتبه الصدر.
- صبان، محمدعلی(۱۳۹۸ق)، **اسعاف الراغبین**، بیروت: دارالمعرفه.
- صدر، سیدمحمد(بی تا)، **تاریخ ما بعد الظهور**، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، الطبعة الثانية.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۶۲)، **الخصال**، قم: جامعه مدرسین.
- طباطبایی، محمد حسین(۱۳۶۳)، **تفسیر المیزان**، تهران: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن(۱۴۰۸ق)، **مجمع البیان فی علوم القرآن**، بیروت: دارالمعرفه.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن(بی تا)، **اعلام الواری**، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- فیض کاشانی، ملامحسن(بی تا)، **الصفی فی تفسیر القرآن**، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- قمی، شیخ عباس(۱۴۱۶ق)، **سفینه البحار ومدینه الحکم و الثار**، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- کلینی، محمد بن یعقوب(۱۳۶۳)، **اصول کافی**، ج ۸، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر(۱۴۰۳ق)، **بحار الانوار**، تحقیق سید ابراهیم میانجی، بیروت: دارالتراث العربی.

- محمدی‌ری شهری، محمد (۱۴۱۶ق)، **میزان الحکمه**، قم: دار الحدیث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۴)، **گفتارهای معنوی**، قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (بی تا)، **مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی**، قم: انتشارات صدرا.
- نصری، عبدالله (۱۳۷۶)، **مبانی رسالت انبیا در قرآن**، تهران: انتشارات سروش.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم بن جعفر (۱۴۲۲ق)، **الغیبه**، قم: انوار الهدی.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، **مستدرک الوسائل**، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- واثقی، ق (بی تا)، **امام الکوی امت**، تهران: کتابفروشی امیری.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی